

تحلیلی بر نابرابری‌های مسکن روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۷

ابوالفضل قنبری *

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۰/۰۵/۲۹

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۰/۰۸/۲۲

چکیده

اهداف پژوهش حاضر رتبه بندی، تعیین سطوح توسعه یافتگی و اندازه گیری شکاف و واگرایی ناحیه‌ای با استفاده از ۳۷ شاخص در زمینه شاخص‌های کمی و کیفی مسکن روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۷ می‌باشد. داده‌های پژوهش حاضر از طرح آمارگیری ویژگی‌های مسکن روستایی پاییز ۱۳۸۷ استخراج شده است. روش پژوهش «توصیفی-تحلیلی» است. ابتدا با استفاده از روش‌های تحلیل عاملی، شاخص ترکیبی توسعه انسانی، تاپسیس، امتیاز استاندارد و تاکسونومی عددی، درجه توسعه یافتگی نواحی محاسبه و رتبه هر یک از نواحی در شاخص‌های مورد مطالعه مشخص شده است. سپس با بهره‌گیری از روش تحلیل خوشه‌ای، نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در سه سطح توسعه یافته، نیمه توسعه یافته و محروم طبقه بندی شدند.

نتایج حاصل از روش‌های کمی مورد استفاده تفاوت‌هایی را در سلسله مراتب سطوح توسعه نشان می‌دهد. چنانچه به عنوان نمونه برخوردارترین نقاط روستایی شهرستان استان در روش تحلیل عاملی و شاخص ترکیبی توسعه انسانی به ترتیب تبریز و شبستر می‌باشد. در حالی که محروم ترین نقاط روستایی استان در همین روش‌ها به ترتیب چاراویماق و ورزقان می‌باشد. همچنین نوسان در سلسله مراتب سطوح توسعه در روش‌های امتیاز استاندارد، تاکسونومی عددی و تاپسیس نیز دیده می‌شود. از این رو جهت رسیدن به جواب بهینه از روش تلفیقی و میانگین رتبه‌های هر یک از روش‌ها استفاده شده است. نتایج حاصل از بهره‌گیری از روش تلفیقی در رتبه بندی و تعیین سلسله مراتب سطوح توسعه در استان نشان می‌دهد که تبریز به عنوان برخوردارترین نقاط روستایی و ورزقان به عنوان محروم‌ترین نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی شناخته می‌شود. همچنین نتایج حاصل از روش تحلیل خوشه‌ای نشان می‌دهد که تقریباً بیشتر نقاط توسعه یافته روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در مرکز استان و یا در اطراف نقاط مسلط شهرستان‌های استان از جمله تبریز یا مراغه قرار گرفته‌اند که این امر ناشی از تبعیت الگوی توسعه نقاط روستایی استان از الگوی مرکز-پیرامون می‌باشد.

واژگان کلیدی: نابرابری، مسکن، نقاط روستایی، شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی، ۱۳۸۷.

* استادیار گروه پژوهش‌های جغرافیای دانشگاه تبریز. A_ghanbari@tabrizu.ac.ir

مقدمه

مسکن به عنوان یکی از پدیده‌های واقعی از نخستین مسایلی است که بشر همواره با آن دست به گریبان بوده و همواره در تلاش برای دگرگونی و یافتن پاسخی مناسب، معقول و اندیشیده برای آن است (اهری و دیگران، ۱۳۷۰). در حال حاضر مسئله‌ای که راجع به مسکن در سطح جهانی از آن صحبت می‌شود، مسئله کمبود واحدهای مسکونی است و در عین حال آنچه که به کیفیت واحدهای مسکونی باز می‌گردد تقریباً در بسیاری از نقاط دنیا رعایت نمی‌شود.

مشکل مسکن در همه جای دنیا وجود دارد اما این موضوع در کشورهای جهان سوم، به دلایل متعدد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حادثتر است. از جمله این مسایل در کشورهای در حال توسعه می‌توان به رشد سریع جمعیت و شهرنشینی، مهاجرت‌های داخلی، فقدان منابع مالی کافی، مشکلات مربوط به عرضه زمین، تأمین مصالح ساختمانی و کمبود نیروی انسانی متخصص و مهم‌تر از همه نبود خط‌مشی، سیاست‌گذاری و برنامه‌های مناسب در خصوص زمین و مسکن این مشکل به صورت حاد و بحرانی درآمده است (دلالت پور محمدی، ۱۳۷۹: ۱۸). علاوه بر عوامل فوق‌الذکر در زمینه مسکن روستایی باید سیاست‌های غلط گذشته مبنی بر شهر محور بودن سیاست‌ها را نیز به آن‌ها افزود.

امروزه کمتر جامعه‌ای چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در کشورهای در حال توسعه می‌تواند مدعی حل معضل مسکن در ابعاد و کیفی آن باشد. بنا به دلایل فوق‌الذکر این مسئله به‌ویژه در بین کشورهای در حال توسعه حادثتر است. مشکل مسکن را باید در ساختار و روابط قدرت چه در مقیاس جهانی و چه در سطح ملی - محلی جستجو کرد. «به موجب اصل سی و یکم قانون

اساس جمهوری اسلامی ایران داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی دانسته شده است و دولت موظف شده با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم آورد» (هادی زنوز، ۱۳۸۴: ۲۳). ولی تاکنون دولت در این زمینه با مشکلات متعددی مواجه شده است. مشکلات مسکن مانند دیگر ناهمواری‌های موجود در جامعه پدیده‌ای نیست که بتوان آن را جدا و بی‌ارتباط با دیگر ناهنجاری‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی مورد ارزیابی قرارداد (چایلند، ۱۳۷۹: ۵۳). چنین فرایندی یعنی برنامه‌ریزی مسکن، زمانی موفق خواهد بود که بتواند با دریافت درستی از واقعیات به‌طور مداوم خود را با نیازهای واقعی منطبق کرده و سیاست و پویایی یک نظام برنامه‌ریزی مناسب را به منصفه ظهور رساند (افشار، ۱۳۷۳).

مساکن روستایی در ایران با توجه به تنوع اقلیمی و جغرافیایی دارای تیپ‌های مختلفی است. این مساکن با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، وضعیت زمین، نوع معشیت، شیوه‌های زیستی و سبک زندگی هر ناحیه ساخته شده‌اند. روستائیان با توجه به دسترسی به مواد اولیه مسکن که اغلب از منابع محلی تأمین می‌شود، اقدام به احداث مسکن خود می‌نمایند که در نهایت استانداردهای مربوط به مسکن، رعایت نشده است. از این رو توجه جدی به کیفیت و کمیت ساختمان‌ها یا به عبارتی مسکن روستایی در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی لازم و ضروری می‌نماید، چرا که مسکن مناسب و استاندارد از شاخص‌های توسعه‌ی روستایی به شمار می‌آید (لطفی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۰۷-۱۰۶). بنابراین لزوم توجه به مسکن و به برنامه‌ریزی آن در قالب برنامه‌ریزی‌های ملی، منطقه‌ای، شهری و روستایی بیش از

چنین مسائلی دست به گریبانند (Gallent, & et al, 15: 2003). مسئله بی خانمانی و نداشتن سرپناه یک مشکل جهانی است (Milbourme & Cloke, 2006: 1) حتی کشورهای توسعه یافته نیز در برخی موارد از این قاعده مستثنی نیستند.

«در ایالات متحده آمریکا، با وجود تسلط مسکن خصوصی، نابرابری مسکن غلبه دارد که این امر ناشی از یک گروه از عوامل و شرایط اقتصادی-اجتماعی نظیر تبعیض نژادی است (Galster, 1988). در کشورهای مرفه نظیر کشورهای اسکاندیناوی و بریتانیا، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم تعداد گسترده‌ای از مسکن اجتماعی عمومی در دسترس است و نابرابری مسکن تا حدودی اهمیت کمتری دارد اما پس از کناره گیری دولت رفاه و غلبه بخش خصوصی و دولت راست گرا در بریتانیا، نابرابری مسکن به طور فزاینده‌ای افزایش یافت (Burrows, 1999). به رغم تسلط مسکن عمومی در کشورهای با اقتصاد سوسیالیستی، نابرابری مسکن غلبه دارد (Szeleny, 1978; 1983; Logan & et al, 1999).

مسئله مسکن در کشورهای در حال توسعه حادتر است. علاوه بر مشکلات کمی، مشکلات کیفی نیز بر مشکلات این گونه کشورها سایه انداخته است. «به طوری که در کشورهای در حال توسعه، معدودی از جامعه امکان دسترسی به مسکن مناسب خود را به دست می‌آورند. در نتیجه بقیه قشرهای اجتماعی به ویژه گروه‌های وسیع کم درآمد از داشتن یک سکونتگاه مناسب در رنج هستند» (اگری و دیگران، ۱۳۷۰).

مسئله و مشکل مسکن در ایران نیز قبل از دهه ۱۳۳۰ چندان مسئله ساز نبوده است. تجلی و نمود نابرابری در مسکن روستائیان را می‌توان در ظهور بد مسکنی و بی مسکنی و تکوین و گسترش نواحی حاشیه نشینان در

پیش احساس می‌شود، تا بلکه برنامه‌ریزان با استفاده از دانش و تکنیک‌های برنامه ریزی در راستای حل مشکلات مسکن توفیق حاصل نمایند.

در راستای آگاهی از نحوه حل مسایل مسکن روستایی و نیز میزان تحقق برنامه‌های مسکن توسط سازمان‌های دولتی و یا سایر بخش‌ها نیاز به ابزاری است تا بر اساس آن‌ها بتوان وضعیت عملکرد اهداف تعیین شده را سنجید. در این رابطه شاخص‌های مسکن می‌تواند کمک شایانی در برآورد و وضعیت سنجی مسکن روستایی کشور ارائه نماید. شاخص‌های مسکن از یکسری شاخص‌های کمی و کیفی به دست می‌آید. به هر حال انجام چنین تحلیل‌های کمی و کیفی با استفاده از روش‌های ریاضی و آماری و دستیابی به ابعاد مختلف مسکن روستایی در کشور، توجه به شاخص‌های مسکن را لازم و ضروری می‌نماید. شاخص‌های مسکن به عنوان ابزاری برای نمایاندن اجزا و ابعاد مختلف مسکن همچون شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی و شناسایی بهتر وضعیت مسکن روستایی کمک شایانی به این امر می‌نمایند. این شاخص‌ها به صورت مقادیر و آمارها، معرف‌ها، متغیرها، مفاهیم و توصیف‌هایی که بازتابی از این شرایط هستند، به کار گرفته می‌شوند. از این رو هدف مطالعه حاضر نمایاندن نابرابری‌های مسکن نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی با بهره گیری از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن است.

بیان مسئله

نابرابری مسکن یکی از موضوعات محوری در مطالعات اجتماعی (Huang & Jiang, 2009: 937) و نیز یکی از مهم‌ترین ابعاد ملموس نابرابری اجتماعی است (Huang, 2005). در حال حاضر مسائل مسکن یک امر جهانی شده و جوامع کشورهای مختلف نیز با

اهمیت و ضرورت تحقیق

روستاها مرکز تولیدات کشاورزی، دامی، صنایع دستی و کانون تأمین مایحتاج خوراکی جمعیت کشور هستند. به اعتباری می‌توان آن‌ها را کانون تولید ثروت و ارزش افزوده در کشور محسوب نمود. زیرا به رغم میزان سرمایه‌گذاری اندک در مقایسه با شهرها، حدود یک سوم تولید ناخالص ملی کشور از آن‌ها به دست می‌آید (طالب و دیگران، ۱۳۷۹). تجربه نشان می‌دهد در مناطقی که روستاها مورد غفلت و بی‌توجهی بوده‌اند مشکلات شهری- روستایی بیشتر و در مناطقی که از عمران و آبادانی بهتری برخوردار بوده‌اند نابسامانی منطقه‌ای کمتر بوده است (سعیدی و طالب، ۱۳۷۶). به همین دلیل نادیده گرفتن و رها نمودن روستاها و بی‌توجهی نسبت به مسکن و بافت آن‌ها ضمن نادیده گرفتن شرایط آسایش برای بخش قابل توجهی از جمعیت کشور؛ بر هم زدن تعادل اجتماعی- اقتصادی کالبدی مناطق و متعاقب آن بروز نابسامانی در نظام سکونتگاهی کشور را به دنبال خواهد داشت (حیبی، ۱۳۷۵).

موجودی مسکن در یک جامعه شاخص کلیدی در کیفیت زندگی است و بینشی برای زنده و پویا بودن مکان ارائه می‌نماید (Sawicki & Flynn, 1996). مسکن چیزی بیش از دیوارها و سقف‌ها است. مسکن خوب همبستگی بین جوامع را تقویت می‌کند، مسکن خوب، سلامتی، پایداری و امید را برای ساکنان به همراه می‌آورد (Powers, Davis & Iloza, 2000: 1). با توجه به این که مسکن یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی و یکی از نیازهای اساسی انسان محسوب می‌شود، بنابراین جایگاه مسکن، برنامه‌ریزی برای آن و لزوم توجه به آن از اهمیت زیادی برخوردار است. «مهم‌ترین دلایل توجه به مسئله مسکن روستایی عبارتند از: تحول شرایط زندگی روستایی و الزام تطابق با شرایط حال، ضرورت کاهش

کلانشهرها دانست که در صورت عدم پیشگیری در مبدأ یعنی روستاها روز به روز بر مشکلات و ابعاد بد آن در مقصد یعنی کلانشهرها خواهد افزود. با وجود آنکه پس از انقلاب اسلامی تلاش‌هایی در زمینه محرومیت زدایی و بهبود کمی و کیفی مسکن روستائیان توسط نهادهایی انقلابی همچون بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و جهاد سازندگی صورت گرفته است ولی تا به حال توفیق چندانی در این زمینه حاصل نشده است. چنانچه در صورت ادامه چنین وضعیتی عدالت اقتصادی و اجتماعی و در نهایت پایداری نواحی زیر سؤال خواهد رفت.

مطالعه حاضر جهت رسیدن به توسعه متعادل ناحیه‌ای در استان آذربایجان شرقی، در پی شناخت موقعیت و چگونگی توزیع امکانات توسعه در زمینه شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۷ است. برای نیل به این مهم با بهره‌گیری از مدل‌ها و روش‌های آماری، شاخص‌های کمی و کیفی مسکن بارگذاری شده، درجه و میزان توسعه یافتگی هر یک از نواحی مشخص شده است. با توجه به مسائل و مشکلات مسکن روستایی، مقاله حاضر در پی آن است که با بررسی وضعیت مسکن نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۷ به لحاظ شاخص‌های کمی و کیفی مسکن به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱. آیا میان نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی به لحاظ برخورداری از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن تفاوت فاحشی وجود دارد؟
۲. آیا نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی به لحاظ برخورداری از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن قابل تقسیم‌بندی به نواحی توسعه یافته، نیمه توسعه یافته و محروم می‌باشند؟

۱۲۰۰۸۲۰ نفر و معادل ۳۴/۳۳ درصد یکی از عمده ترین دارندگان نقاط روستایی در کل کشور می باشد. ضرورت توجه به تأمین مسکن و بالا بردن شاخص های کمی و کیفی مسکن روستائیان را بیش از پیش برای سیاستگذاران و طراحان توسعه نمایان می سازد. همچنین با توجه به این که عدم توجه به کمیت و کیفیت مسکن روستایی به صورت حاشیه نشینی در شهرها و به ویژه در کلانشهرهای کشور ظهور و نمود می یابد. بنابراین باید سیاستگذاران و برنامه ریزان توجه بیشتری را به این امر معطوف نمایند. زیرا عدم توجه به این امر می تواند صدمات جبران ناپذیری را بر توسعه متعادل وارد نماید و عدالت اجتماعی و اقتصادی را زیر سؤال ببرد.

شاخص های مورد استفاده در تحقیق

شاخص ها در واقع ابزارهای اندازه گیری و سنجش وضع مسکن و روند تحول آن و همچنین ارزیابی میزان موفقیت و تحقق سیاست های مسکن محسوب می شوند (سرتیپی پور، ۱۳۸۴: ۴۶). تجربه کشورهای مختلف در نگاه به موضوع شاخص های مسکن، حاکی از توجه شایان به این موضوع است (عزیزی، ۱۳۷۳ و زبردست، ۱۳۷۹). اهداف بررسی شاخص های مسکن می تواند در قالب موارد ذیل دسته بندی شود (عزیزی، ۱۳۸۴: ۲۶):

۱. فراهم کردن چهارچوب لازم برای سیاستگذاری و برنامه ریزی در مسکن و نظارت بر آن؛
۲. شناخت و تبیین روابط حاکم بر ابعاد مختلف مسکن و ارزیابی نتایج حاصل از سیاست های مختلف؛
۳. پایه گذاری روابط صحیح بین ابعاد مختلف مسکن که می تواند در جهت تدوین سیاست ها باشد؛
۴. فراهم کردن ابزار تحلیلی مناسب برای سیاستگذاران و برنامه ریزان با شناخت کامل از تحولات و دگرگونی ها.

خسارت بلایای طبیعی، سیل، زلزله، طوفان و رانش زمین، الزامات بهسازی و مقاوم سازی مساکن وابسته، فراهم آوردن محیط مناسب زندگی و توازن شهر و روستا و به وجود آوردن شرایط مناسب زندگی برای جوانان و افراد تحصیل کرده، عدم رعایت ضوابط فنی در ساخت و ساز" بر اساس مطالعات و بررسی های انجام پذیرفته، روستاهای کشور از نظر کالبدی و فیزیکی دچار مسایل عدیده ای می باشند.

عدم دسترسی به مسکن مناسب، معابر تنگ و باریک، کیفیت پایین ساخت و مقاومت کم در مقابل عوامل مخرب طبیعی و در نتیجه آسیب پذیر بودن بافت خانه ها، استفاده از مصالح کم دوام و بومی (بدون توجه به استانداردها که در صورت رعایت این امر مصالح بوم آورد می تواند به عنوان نقطه مثبت در امر ساخت و ساز نیز تلقی شود) و امثال آن جامعه روستایی کشور را دچار آسیب های اقتصادی، اجتماعی نموده است. بر این اساس از آنجا که مسکن در روستاهای کشور از کیفیت خوبی برخوردار نیست، ضرورت توجه به مسئله بهسازی مسکن روستایی اهمیت پیدا می کند. توسعه روستایی از عوامل مختلفی نشأت می گیرد که یکی از آنها مسکن مطلوب است و بررسی دقیق آن در مطالعات اجتماعی- اقتصادی و فضایی مورد توجه برنامه ریزان به خصوص فعالان عرصه مسائل روستایی است. به ویژه اگر مسئله مسکن در روند اجرای برنامه های توسعه اثرات نامطلوب داشته باشد، ضرورت توجه به آن دو چندان خواهد بود (لطفی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

با توجه به موارد فوق الذکر و با توجه به این که ۵۰۹۸۵ هزار روستا با جمعیت ۲۲۱۲۳۰۵۴ نفر و معادل ۳۱/۵۴ درصد در سال ۱۳۸۵ در اقصی نقاط کشور ایران پراکنده شده اند. همچنین متعاقب آن استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۵ با دارا بودن ۲۵۰۷ روستا با جمعیت

تعداد نمونه‌های مقاله حاضر ۴۰۲ نقطه روستایی با ۸۶۱۳ پرسشنامه بوده که برای هر یک از شهرستان‌ها تعداد نمونه‌ها و به تبع آن تعداد پرسشنامه‌ها متفاوت بوده است. به این ترتیب که برای شهرستان آذرشهر ۱۳ نمونه با ۴۹۹ پرسشنامه؛ اسکو ۱۷ نمونه با ۵۰۴ پرسشنامه؛ اهر ۳۱ نمونه با ۵۰۵ پرسشنامه؛ بستان آباد ۲۴ نمونه با ۵۰۷ پرسشنامه؛ بناب ۱۷ نمونه با ۵۰۰ پرسشنامه؛ تبریز ۱۷ نمونه با ۵۱۷ پرسشنامه؛ جلفا ۱۵ نمونه با ۴۷۶ پرسشنامه؛ چاراویماق ۲۵ نمونه با ۴۸۵ پرسشنامه؛ سراب ۲۱ نمونه با ۵۱۱ پرسشنامه؛ شبستر ۱۸ نمونه با ۵۱۰ پرسشنامه؛ عجب شیر ۱۶ نمونه با ۵۰۰ پرسشنامه؛ کلیبر ۳۰ نمونه با ۵۰۲ پرسشنامه؛ مراغه ۲۳ نمونه با ۵۰۲ پرسشنامه؛ مرند ۱۷ نمونه با ۵۰۷ پرسشنامه؛ ملکان ۱۹ نمونه با ۵۱۰ پرسشنامه؛ میانه ۳۲ نمونه با ۵۱۰ پرسشنامه؛ ورزقان ۲۱ نمونه با ۵۰۳ پرسشنامه؛ هریس ۲۱ نمونه با ۴۹۸ پرسشنامه و هشتروند ۲۶ نمونه با ۴۸۹ پرسشنامه. تعداد شاخص‌های مستخرج و مورد استفاده در نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی به لحاظ شاخص‌های مسکن ۳۷ شاخص به شرح زیر است:

۱. درصد واحدهای مسکونی معمولی بر حسب وضعیت و نوع سند؛ ۲. درصد واحدهای مسکونی دارای زیربنای ۱۸۰ مترمربع و بیشتر؛ ۳. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای پنج اتاق و بیشتر؛ ۴. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای حیاط؛ ۵. معکوس واحدهای مسکونی معمولی فاقد ایوان؛ ۶. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای چهار نما و بیشتر؛ ۷. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای مستراح؛ ۸. درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل کولر آبی و گازی؛ ۹. درصد واحدهای مسکونی معمولی کمتر از پنج سال عمر؛ ۱۰. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای

- بازشوی بزرگ در فضاهای زیستی؛ ۱۱. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای بیش از ۵ بازشوی بزرگ در فضاهای زیستی؛ ۱۲. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای بیش از ۵۰۰ متر مربع مساحت زمین؛ ۱۳. معکوس واحدهای مسکونی معمولی فاقد فضای غیر زیستی؛ ۱۴. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای بیش از ۱۰۰ مترمربع سطح اشغال زیربنای طبقه همکف؛ ۱۵. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای بیش از ۱۵۰ متر مربع مساحت زیربنای فضاهای زیستی؛ ۱۶. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای فضاهای معیشتی بیش از ۱۵۰ متر مربع مساحت زیربنا؛ ۱۷. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای فضاهای مشترک زیستی و معیشتی کشور بیش از ۱۵۰ متر مربع؛ ۱۸. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای سایر فضاها بیش از ۱۵۰ متر مربع مساحت زیربنا؛ ۱۹. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای سه اتاق و بیشتر دارای عملکرد زیستی؛ ۲۰. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای دو اتاق و بیشتر دارای عملکرد معیشتی؛ ۲۱. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای دو اتاق و بیشتر دارای عملکرد زیستی و معیشتی؛ ۲۲. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای فضای باز برای نگهداری حیوانات؛ ۲۳. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای حیاط بر حسب عملکرد زیستی و معیشتی؛ ۲۴. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای سازه فلزی و بتنی در فضاهای زیستی و معیشتی؛ ۲۵. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای کلاف فلزی در دیوار و سقف به علاوه کلاف فلزی در دیوار و بتنی در سقف؛ ۲۶. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای مصالح بتن در پی ریزی؛ ۲۷. معکوس واحدهای مسکونی معمولی بدون پی ریزی فضاهای زیستی؛ ۲۸. معکوس واحدهای مسکونی معمولی بدون کرسی چینی در فضاهای زیستی؛ ۲۹. درصد واحدهای مسکونی

است و تفکیک عامل‌ها به درستی انجام پذیرفته است. همچنین شاخص‌های مندرج در هر عامل از همبستگی بالایی برخوردارند. در تصویر ۱ تعداد ابعاد قابل قبول بر اساس مقادیر ویژه و درصد تبیین واریانس تجمعی آن‌ها مشخص شده است.

تصویر ۲، آزمون دنباله‌ای سنگریزه کتل، معیاری است برای تشخیص تعداد مناسب عامل‌هایی که می‌توان استخراج کرد. آزمون سنگریزه کتل، تقریباً بهترین راه حل جهت انتخاب تعداد درست عامل‌هاست. بر این اساس، نموداری بر حسب تعداد عامل‌ها و مقادیر ویژه مشخص می‌شود که می‌توان تعداد عامل‌هایی را که مقدار ویژه آن‌ها بزرگتر از یک است، تعیین کرد. در این نمودار، مقادیر ویژه بر حسب اهمیت آن‌ها از بزرگترین تا کوچکترین مقدار رسم می‌شود. بر این اساس، طبق تصویر ۲، سه عامل که مقادیر ویژه آن‌ها بزرگتر از یک است نشان داده شده است.

بر اساس تقسیمات اداری - سیاسی سال ۱۳۸۵ استان آذربایجان شرقی دارای ۱۹ شهرستان بوده است. با استفاده از روش تحلیل عاملی و شاخص ترکیبی توسعه انسانی، درجه توسعه یافتگی هر یک از نقاط روستایی شهرستان‌های استان، در شاخص‌های کمی و کیفی مسکن مورد محاسبه قرار گرفت. نتایج به دست آمده از هر دو روش، تفاوت‌هایی را در سلسله مراتب سطوح توسعه نشان می‌دهد. چنانچه در روش تحلیل عاملی، مراغه به‌عنوان برخوردارترین نقاط روستایی و چاراویماق به‌عنوان محروم‌ترین نقاط روستایی در میان شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی شناخته شده است و نقاط روستایی شهرستان تبریز رتبه دوم را از نظر توسعه یافتگی به دست آورده است. ولی در روش شاخص ترکیبی توسعه انسانی، شبستر به‌عنوان برخوردارترین نقاط روستایی در میان شهرستان‌های استان

معمولی استفاده کرده از آجر در دیوار فضاهای زیستی؛ ۳۰. معکوس واحدهای معمولی استفاده کرده از کاهگل برای نما؛ ۳۱. درصد واحدهای مسکونی معمولی استفاده کرده از بتن برای پوشش عمده سقف فضاهای زیستی؛ ۳۲. معکوس واحدهای مسکونی معمولی فاقد عایق کاری رطوبتی سقف فضاهای زیستی؛ ۳۳. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای موزائیک در کف فضاهای زیستی؛ ۳۴. درصد واحدهای مسکونی معمولی دارای سازه فلزی - بتنی فضاهای معیشتی؛ ۳۵. درصد واحدهای مسکونی معمولی استفاده کرده از سنگ در دیوار فضاهای زیستی؛ ۳۶. درصد واحدهای مسکونی معمولی استفاده کرده از بلوک در دیوار فضاهای زیستی؛ ۳۷. درصد واحدهای مسکونی معمولی استفاده کرده از بتن برای پوشش عمده سقف فضاهای زیستی؛

رتبه‌بندی و تعیین درجه توسعه یافتگی نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی

رتبه‌بندی و تعیین درجه توسعه یافتگی نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی با استفاده از روش‌های تحلیل عاملی و شاخص ترکیبی توسعه انسانی در سال ۱۳۸۷

برای سنجش سطوح توسعه نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی، ۳۷ شاخص مورد استفاده قرار گرفته است. به‌منظور تفکیک و دسته‌بندی شاخص‌ها از روش تحلیل عاملی بر اساس تجزیه مؤلفه‌های اصلی و چرخش وریماکس^۱ استفاده شد که نتایج آزمون KMO و B.T.S در هر کدام از دسته‌بندی‌ها نشان می‌دهد که کفایت نمونه‌گیری حاصل آمده

آذربایجان شرقی مشخص شده است و نقاط روستایی تبریز در رتبه دوم پس از شبستر قرار گرفته است. نقاط روستایی ورزقان نیز به عنوان محروم ترین نقاط روستایی در میان نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی معرفی شده است (تصویر ۱۳).

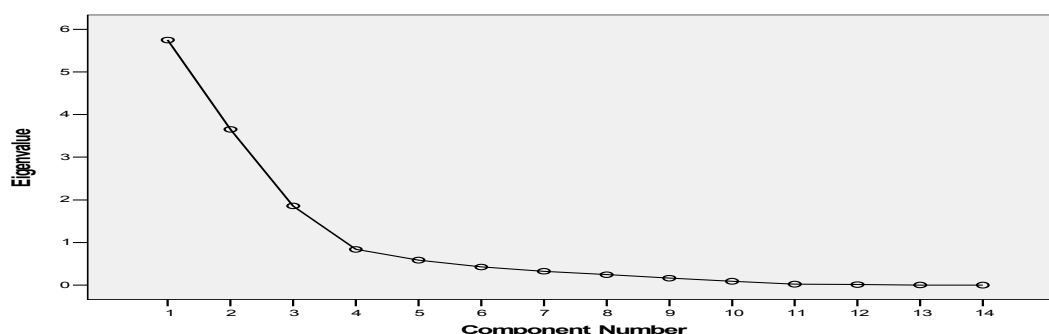
وضع موجود اجتماعات انسانی و رفتار آنها، عدم امکان کمی کردن همه امور کیفی، عدم امکان و شناسایی همه متغیرها و نهایتاً الزام به کاهش تعداد متغیرها^۱ در مدل های کمی دانست (بدری و اکبریان رونیزی، ۱۳۸۵: ۲۰).

"ت ۱" ابعاد و اجزای تحلیل عاملی نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۷.

بخش	سال ۸۷	تعداد عامل ها	KMO	B.T.S	مقدار ویژه	درصد واریانس تجمعی
مسکن	۳	/۶۴۸	۴۰۸/۸۷۵	۲/۱۹۲	۷۵/۴۷۶	
				۱/۹۷۸		
				۱/۶۷۴		

"ت ۲" سنگریزه کتل.

Scree Plot



رتبه بندی و تعیین درجه توسعه یافتگی نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی با استفاده از روش تاپسیس در سال ۱۳۸۷ نتایج حاصل از محاسبات با استفاده از روش تاپسیس در شاخص های کیفی و کمی مسکن نشان می دهد که

بنابراین در کاربرد روش های کمی رعایت جانب احتیاط ضرورت داشته و صرف استفاده از یک یا چند مدل کمی نمی تواند نشان دهنده تمامی واقعیات موجود یک جامعه باشد. این امر را می توان ناشی از چندین عامل از جمله ضعف روش های کمی در ارائه تحلیل دقیق از

به عنوان عنصر ناهمگن در پهنه جغرافیایی استان نمود پیدا کند. همچنین با استناد به تصویر ۱۳ نشان می‌دهد که الگوی توسعه در نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی تا حدودی از الگوی مرکز-پیرامون تبعیت می‌کند. به صورتی که تمرکز امکانات و خدمات در نقاط روستایی شهرستان تبریز و روستاهای اطراف آن، همزمان رکود نسبی فعالیت ها در شهرستان های هم مرز با استان های همجوار، نابرابری و واگرایی ناحیه‌ای را دامن زده است. همچنین با توجه به این اصل که «نواحی فقیر از لحاظ سیاسی نیز در حاکمیت ضعیف هستند، از این رو نمی‌توان انتظار داشت که منابع در اختیار دولت بر اساس منطق عدالت خواهانه راولز که معتقد است بیشترین منابع باید به محروم ترین منطقه اختصاص یابد، تعلق گیرد» (هاروی، ۱۳۷۹: ۱۱۳). در ذیل مراحل روش تاپسیس به اختصار ذکر شده است.

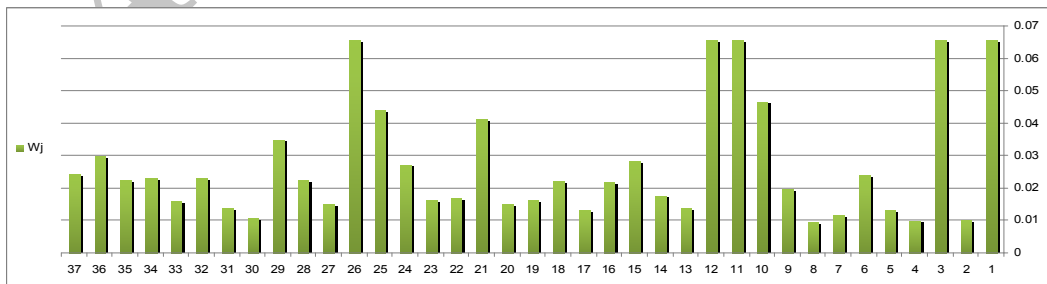
نقاط روستایی شهرستان تبریز، توسعه یافته ترین نقاط روستایی در میان نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی می‌باشد. همچنین نقاط روستایی شهرستان های کلبر و مراغه به ترتیب از لحاظ توسعه یافتگی در رتبه های بعدی قرار می‌گیرند. اما نقاط روستایی شهرستان های سراب، میانه، هریس و ورزقان محروم ترین نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی از لحاظ شاخص های کمی و کیفی مسکن به شمار می‌آیند.

مقادیر Cl_i حاصل از محاسبات نشان دهنده شکاف و واگرایی میان نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی از لحاظ توسعه یافتگی می‌باشد. نقاط روستایی شهرستان تبریز به دلیل مرکزیت اداری-سیاسی توانسته است، تفوق خود را در ناحیه حفظ و فاصله خود را نسبت به سایر نواحی بیشتر کرده و

"ت۳" اوزان شاخص ها بر اساس روش آنترپی.

X1	x2	x3	x4	x5	x6	x7	x8	X9	x10
۰.۰۶۵۴۷۵	۰.۰۹۹۸۹	۰.۰۶۵۴۷۵	۰.۰۹۸۱۲	۰.۰۱۲۹۶۹	۰.۰۲۳۹۵۴	۰.۰۱۱۶۷۵	۰.۰۹۳۱۹	۰.۰۱۹۶۵۳	۰.۰۴۶۶۱۳
x11	x12	x13	x14	x15	x16	x17	x18	X19	x20
۰.۰۶۵۴۷۵	۰.۰۶۵۴۷۵	۰.۰۱۳۷۲۹	۰.۰۱۷۶۹۱	۰.۰۲۸۲۶۱	۰.۰۲۱۸۹۵	۰.۰۱۳۱۲۹	۰.۰۲۲۰۸۴	۰.۰۱۶۳۲	۰.۰۱۴۷۸۵
x21	x22	x23	x24	x25	x26	x27	x28	X29	x30
۰.۰۴۱۳۶۶	۰.۰۶۷۲۹	۰.۰۶۱۱۸	۰.۰۲۷۱۱۱	۰.۰۴۳۹۰۹	۰.۰۶۵۴۷۵	۰.۰۱۵۰۲۴	۰.۰۲۲۲۹۱	۰.۰۳۴۹۰۳	۰.۰۱۰۶
x31	x32	x33	x34	x35	x36	x37			
۰.۰۱۳۸۶۳	۰.۰۲۳۱۴۲	۰.۰۱۵۸۸۲	۰.۰۲۳۱۷۴	۰.۰۲۲۴۶۲	۰.۰۲۹۸۶۸	۰.۰۲۴۳۸			

"ت۴" ترسیم هندسی اوزان شاخص ها بر اساس روش آنترپی.



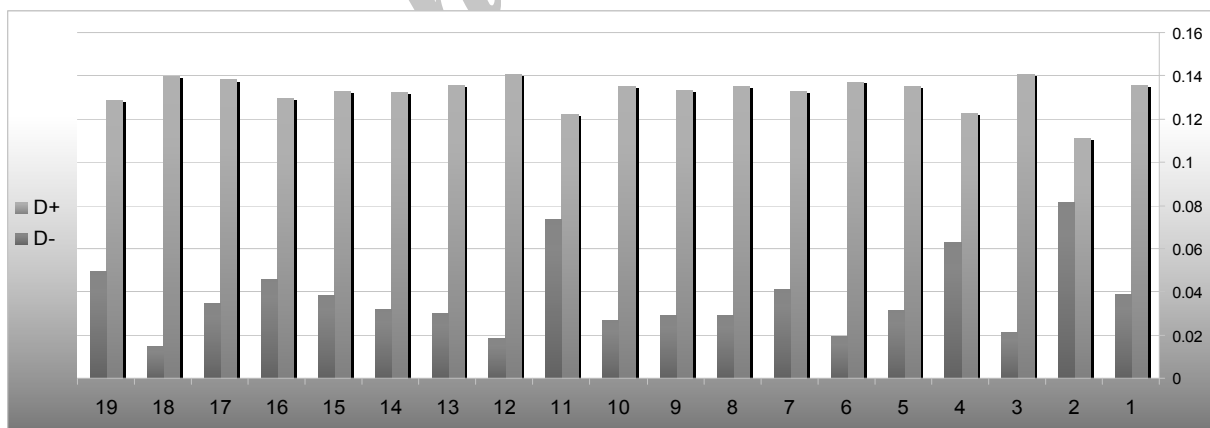
همانطور که تصویر ۴، نشان می‌دهد شاخص بیست و ششم بیشترین وزن و شاخص هشتم کمترین وزن را در مقایسه با شاخص‌های دیگر داراست.

در تصویر ۷ فواصل اقلیدسی هر یک از شاخص‌های توسعه از جواب‌های ایده‌آل مثبت و منفی مربوط به شاخص‌های کمی و کیفی مسکن به کمک روابط D^+ و D^- محاسبه شده است.

"ت ۵" ایده‌آل‌های مثبت و منفی یا ماکزیمم و مینیمم شاخص‌های توسعه.

Index	x1	x2	x3	x4	x5	x6	x7	x8	x9
Max	۰.۰۶۵۳۲۵۶۱۶	۰.۰۰۲۶۳۵۴۸۵	۰.۰۳۸۲۹۵	۰.۰۰۳۷۶۷	۰.۰۰۷۱۳۲	۰.۰۱۶۶۳۷	۰.۰۰۵۲۱	۰.۰۰۳۳۳۹	۰.۰۰۹۳۵۸
Min	.	۰.۰۰۰۱۳۱۷۷۴	.	۰.۰۰۱۰۷۶	۰.۰۰۰۶۲۵	۰.۰۰۰۴۹۹	۰.۰۰۰۴۴۴	۰.۰۰۱۳۲۹	۰.۰۰۰۱۴۲
Index	x10	x11	x12	x13	x14	x15	x16	x17	x18
Max	۰.۰۳۲۵۳۷	۰.۰۵۴۹۷۱	.	۰.۰۰۵۷۲	۰.۰۰۵۰۱۱	۰.۰۲۵۲۹۹	۰.۰۰۹۸۶	۰.۰۰۵۹۹۷	۰.۰۱۳۳۰۵
Min									
Index	x19	x20	x21	x22	x23	x24	x25	x26	x27
Max	۰.۰۰۸۷۸۶	۰.۰۰۳۴۶۳	۰.۰۱۹۱۴۷	۰.۰۰۷۶۶۵	۰.۰۰۷۸۱۹	۰.۰۱۶۷۶۴	۰.۰۴۰۰۴۶	۰.۰۶۵۴۷۵	۰.۰۰۶۰۸۳
Min	۹.۰۶E-۰۵	۰.۰۰۳۲۶۵	۰.۰۰۰۴۷۹	۷.۷۴E-۰۶
Index	x28	x29	x30	x31	x32	x33	x34	x35	x36
Max	۰.۰۱۴۸۶۵	۰.۰۳۳۹۲۳	۰.۰۰۳۳۸۵	۰.۰۰۶۹۲۶	۰.۰۱۵۰۰۵	۰.۰۰۸۳۳۷	۰.۰۲۱۶۴	۰.۰۱۴۸۴۵۱۳	۰.۰۱۸۷۷
Min	.	.	۰.۰۰۰۲۴۵	۰.۰۰۰۱۵۱	.	۰.۰۰۰۵۱۶	۲.۷E-۰۵	.	.
Index	x37								
Max	۰.۰۱۶۰۱								
Min	.								

"ت ۶" ایده‌آل‌های مثبت یا ماکزیمم شاخص‌های توسعه و ایده‌آل‌های منفی یا مینیمم شاخص‌های توسعه.



"ت"۷ فواصل هریک از شاخص‌ها از جواب‌های ایده آل و طرح نزدیکی آن‌ها.

نام شهرستان	D+	D-	cli
اهر	۰.۱۳۵۷۱۱۶۴۲	۰.۰۳۹۰۵۸۵	۰.۲۲۳۴۸۵
تبریز	۰.۱۱۱۲۷۷۲۵	۰.۰۸۱۸۹۰۹۴۹	۰.۴۲۳۹۳۶
سراب	۰.۱۴۰۵۳۴۹۲۸	۰.۰۲۱۱۵۳۶۰۳	۰.۱۳۰۸۲۹
مراغه	۰.۱۲۲۷۴۵۸۳۷	۰.۰۶۳۰۱۹۲۱۶	۰.۳۳۹۲۴۲
مرند	۰.۱۳۵۴۴۵۰۹۷	۰.۰۳۱۵۳۸۰۲۸	۰.۱۸۸۸۷
میانه	۰.۱۳۷۲۶۳۱۷۷	۰.۰۱۹۳۱۸۶۳۷	۰.۱۲۳۳۷۷
هشترود	۰.۱۳۲۹۲۸۶۸۵	۰.۰۴۱۲۶۳۹۲۸	۰.۲۳۶۹۱
بناب	۰.۱۳۵۴۳۷۸۴۶	۰.۰۲۸۹۴۲۸۹۳	۰.۱۷۶۰۷۲
بستان آباد	۰.۱۳۳۳۱۹۷۰۶	۰.۰۲۸۸۸۶۵	۰.۱۷۸۰۸۵
شیبستر	۰.۱۳۵۴۷۹۴۹۳	۰.۰۲۶۵۰۳۹۰۴	۰.۱۶۳۶۲۱
کلپیر	۰.۱۲۲۲۸۸۵۵۷	۰.۰۷۳۳۶۸۶۵۷	۰.۳۷۴۹۸۶
هریس	۰.۱۴۰۵۸۳۱۵۳	۰.۰۱۸۱۸۷۵۳۱	۰.۱۱۴۵۱۹
جلفا	۰.۱۳۵۷۰۶۸۳۹	۰.۰۲۹۹۰۶۷۹	۰.۱۸۰۵۸۲
ملکان	۰.۱۳۲۴۵۶۲۹۴	۰.۰۳۱۸۶۵۹۶۵	۰.۱۹۳۹۲۴
آذرشهر	۰.۱۳۳۰۶۸۸۵	۰.۰۳۸۵۸۰۳۵۶	۰.۲۲۴۷۶۳
اسکو	۰.۱۲۹۳۲۷۷۴۷	۰.۰۴۵۷۸۵۳۶	۰.۲۶۱۴۶۲
چاراویماق	۰.۱۳۸۰۵۲۹۹۴	۰.۰۳۴۹۷۶۹۸۵	۰.۲۰۲۱۴۴
ورزقان	۰.۱۳۹۷۰۲۵۶۷	۰.۰۱۴۷۸۹۰۹	۰.۰۹۵۷۲۷
عجب شیر	۰.۱۲۸۶۶۷۷۷۲	۰.۰۴۹۵۲۸۶۳۵	۰.۲۷۷۸۶۳

بنابراین، گزینه‌ای که دارای بزرگترین فاصله نسبی به سایر گزینه‌هاست، بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است. نتایج حاصل از محاسبات نشان می‌دهد که نقاط روستایی شهرستان تبریز، دارای بیشترین مقدار Cli و نقاط روستایی شهرستان ورزقان دارای کمترین مقدار Cli

تصویر ۱۳ رتبه هر یک از نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی را در سال ۱۳۸۷ بر اساس شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در مطالعه حاضر نشان می‌دهد. در این مرحله، فاصله نسبی هر گزینه به ترتیب بزرگ به کوچک مرتب شده است.

در شاخص‌های توسعه می‌باشد. بنابراین نتیجه می‌گیریم که از لحاظ توسعه یافتگی نقاط روستایی شهرستان تبریز در سال ۱۳۸۷ با توجه به شاخص‌های مورد بررسی در مطالعه حاضر، توسعه یافته‌ترین و نقاط روستایی شهرستان ورزقان محروم‌ترین نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی به‌شمار می‌آیند.

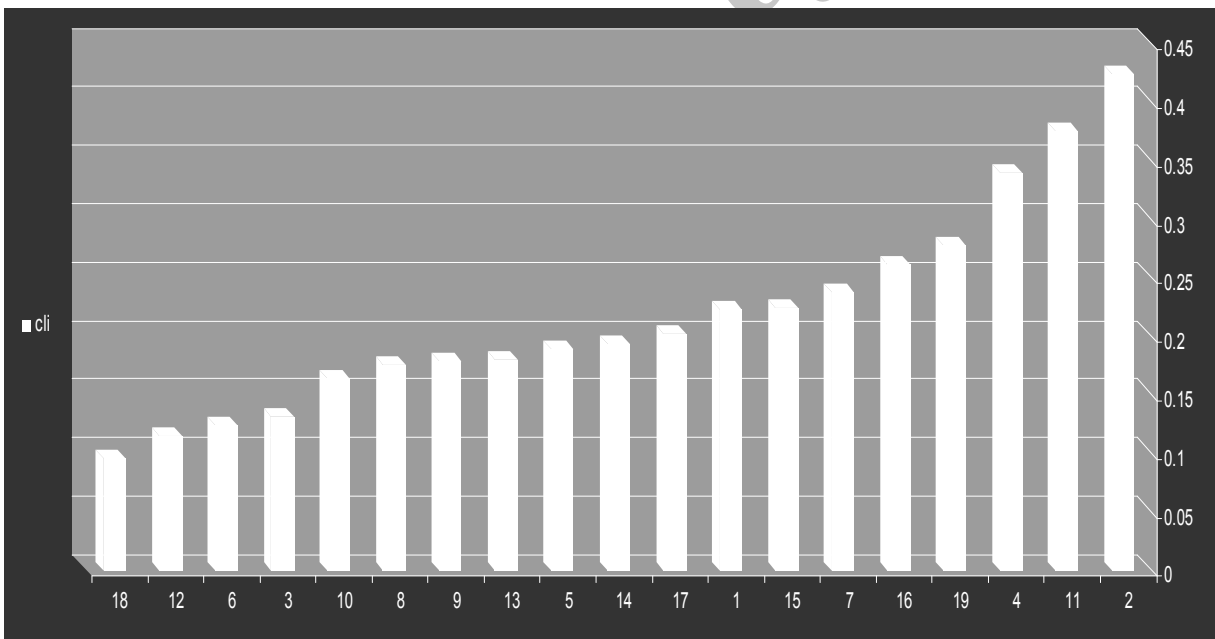
رتبه‌بندی و تعیین درجه توسعه یافتگی با استفاده از روش‌های تاکسونومی عددی و امتیاز استاندارد در سال ۱۳۸۷

با استفاده از روش تاکسونومی عددی و امتیاز استاندارد، درجه توسعه یافتگی هر یک از نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در شاخص‌های کمی و کیفی مسکن مورد محاسبه قرار گرفت.

نتایج به دست آمده از هر دو روش، تفاوت‌هایی را در سلسله مراتب سطوح توسعه نشان می‌دهد. چنانچه در روش تاکسونومی عددی، تبریز به‌عنوان برخوردارترین نقاط روستایی شهرستان استان آذربایجان شرقی و ملکان به‌عنوان محروم‌ترین نقاط روستایی شهرستان استان آذربایجان شرقی شناخته شده است. ولی در روش امتیاز استاندارد، بناب به‌عنوان برخوردارترین نقاط روستایی شهرستان استان آذربایجان شرقی مشخص شده است و نقاط روستایی شهرستان تبریز در رتبه چهارم پس از مراغه در میان نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی قرار گرفته است.

ورزقان نیز به‌عنوان محروم‌ترین نقاط روستایی شهرستان استان آذربایجان شرقی معرفی شده است (تصویر ۱۳). در ذیل مراحل روش تاکسونومی عددی به اختصار ذکر شده است.

"ت ۸" مقادیر Cli بر اساس شاخص‌های کمی و کیفی مسکن توسعه در نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی.



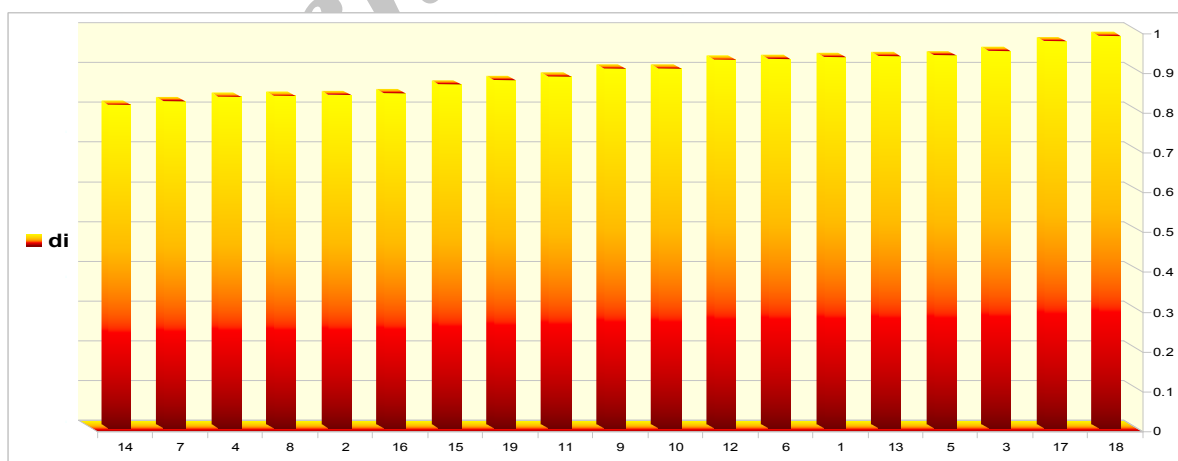
ت ۹ ماتریس تصمیم گیری.

x1	x2	x3	x4	x5	x6	x7	x8	X9	x10
۰.۶۴	۴۱	۰	۱۲	۵.۷	۶.۲	۹.۱	۴۰	۱.۶	۲.۲
x11	x12	x13	x14	x15	x16	x17	x18	X19	x20
۰	۰	۱۹	۶۵	۱۰.۲	۰	۱۴.۵	۰	۵.۴	۹۹.۴
x21	x22	x23	x24	x25	x26	x27	x28	X29	x30
۲.۶	۹۲	۸۳	۰	۰	۰	۸	۳۳۶	۱۴۸	۳۸
x31	x32	x33	x34	x35	x36	x37			
۵۸	۶.۱	۱.۷	۵	۴.۵	۰	۰.۲			

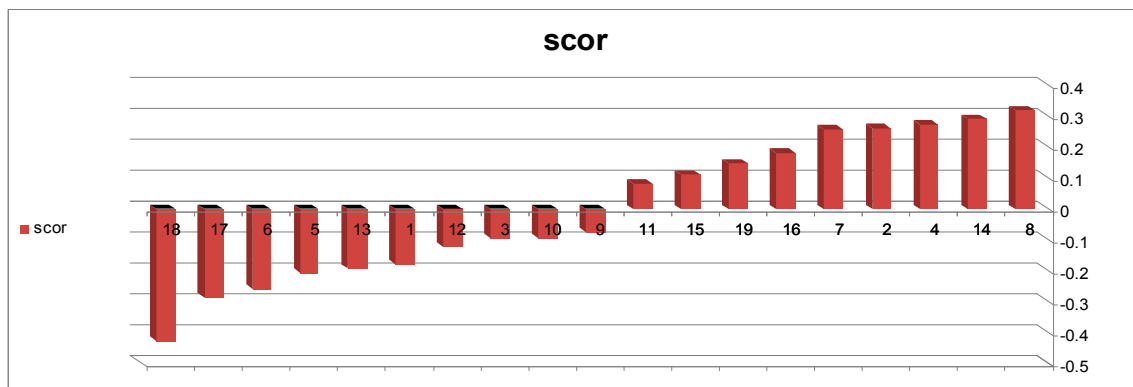
ت ۱۰ ماتریس بی مقیاس شده موزون.

x1	x2	x3	x4	x5	x6	x7	x8	X9	x10
-	-	-	۰.۰۱۳	-۱.۰۰۸۷۱	-	-	-	-	-
۰.۲۳۹۳۷۰۱۹۸	۱.۶۸۲۳۸۸۴۲۷	۰.۸۶۲۷۵	۳۴۸		۰.۱۶۸۰۹۰۸۴۱	۱.۰۹۸۹۵	۱.۴۲۵۱۵	۱.۱۴۴۵	۰.۴۹۵۵۰۷۸۶
x11	x12	x13	x14	x15	x16	x17	x18	X19	x20
-۰.۳۲۵۶	۰	۰.۶۷۸۱۹	۱.۲۷۲۵۹	۰.۰۱۲۹۲۲	-۰.۹۰۷۳۷	۰.۸۷۶۲۷	۰.۸۴۰۴۶	۰.۶۹۶۸۹	۰.۸۱۹۰۳۸
x21	x22	x23	x24	x25	x26	x27	x28	X29	x30
۱.۶۱۸۲۳۹	۱.۶۱۱۷۳۴	۰.۶۵۷۱	۰.۳۷۸۷۹	-۰.۲۲۹۴۲	۰.۶۰۶۷۸۱	۰.۹۶۲	۴.۰۵۰	-	۱.۶۱۸۲۳۹
						۹۰۲	۵۶۹	۰.۹۴۷۵۳	
x31	x32	x33	x34	x35	x36	x37			
۱.۰۷۳۴۳۷	۰.۰۳۴۳۷۸	۰.۷۶۷۲۲	۰.۵۰۲۴۲	۰.۴۰۵۸۳۶۹۹۳	-۰.۶۱۴۸۶	۰.۲۸۶۵۸			

ت ۱۱ مقادیر F و di نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی بر اساس روش تاکسونومی عددی در سال ۱۳۸۷.



"ت ۱۲" مقادیر امتیاز استاندارد نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی بر اساس روش امتیاز استاندارد در سال ۱۳۸۷.



خوشه بندی و تعیین سطوح توسعه نقاط

روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی

سطح بندی نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی بر اساس روش تلفیقی یکی از اهداف اصلی پژوهشگر بوده است. برای دستیابی به این هدف، با استفاده از روش تحلیل خوشه ای به شیوه سلسله مراتبی، نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی به سه گروه توسعه یافته، نیمه توسعه یافته و محروم تقسیم شده است (تصویر ۱۴).

خوشه بندی و تعیین سطوح توسعه نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی نشان می دهد که تقریباً نقاط روستایی شهرستان های توسعه یافته جزو شهرستان های مسلط استان یعنی تبریز و مراغه بوده اند. بنابراین یک نتیجه گیری کلی در این مورد حاصل می شود و آن این که نقاط روستایی شهرستان هایی توسعه یافته هستند که نقاط شهری آنها نیز توسعه یافته باشند. به عبارت دیگر رخنه به پایین یا نشت به پایین که در نظریه مرکز-پیرامون بر آن تأکید می شود در نواحی مورد مطالعه تا حدودی صادق می باشد (تصویر ۱۴ و تصویر ۱۶).

جمع بندی روش ها

برای مقایسه روش های مورد مطالعه و همچنین دستیابی به نتیجه مطلوب و بهینه، تطبیق رتبه های هر یک از روش ها با یکدیگر و گرفتن میانگین رتبه های به وسیله تلفیق کردن رتبه روش های مناطق حاصل از شاخص های کمی و کیفی مسکن، کار منطقی و معقولی به نظر می رسد. چرا که از این طریق بهینه ترین جواب حاصل می شود. با توجه به این که هر کدام از روش ها دارای نواقصی در محاسبه شاخص ها و رتبه نواحی می باشند از این رو، میانگین رتبه ها می تواند در این مورد کار ساز باشد و به برنامه ریزان و طراحان توسعه کمک کند مناطقی که از لحاظ شاخص های توسعه یافتگی در تنگنا قرار دارند، در اولویت برنامه ریزی و توسعه منطقه و کشور قرار گیرند. بنابراین از این طریق تا حدودی از شکاف و واگرایی ناحیه ای کاسته شده و جامعه به سوی رشد متعادل و متوازن منطقه به پیش خواهد رفت. برای این منظور در تصویر ۱۳، درجه و رتبه هر یک از روش ها در شاخص های مورد مطالعه ذکر شده است. در نهایت نیز رتبه میانگین نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی محاسبه و نشان داده شده است.

"ت ۱۳" خلاصه نتایج رتبه بندی نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی در شاخص های کمی و کیفی مسکن با استفاده از روش های مورد مطالعه در سال ۱۳۸۷.

نام شهرستان	تحلیل عاملی		شاخص ترکیبی توسعه انسانی		تاپسیس		تاکسونومی عددی		امتیاز استاندارد		تلفیقی از روش ها
	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	HDI	رتبه	مقادیر Cli	رتبه	مقادیر di	رتبه	امتیاز استاندارد	رتبه
اهر	۱۱	۶۸/۹۲	۹	/۵	۸	۰.۲۳۳۴۸۵	۶	۰.۹۳۲۸۴۱۰۹	۱۴	-۰.۱۷۶۱۶۴۱۴۷	۹
تبریز	۳	۷۸/۴۲	۲	/۶۴	۱	۰.۴۲۳۹۳۶	۱	۰.۹۸۵۸۰۶۴۲۶	۴	۰.۳۶۱۴۵۶۰۰۸	۱
سراب	۱۵	۶۴/۱۹	۱۳	/۴۵	۱۶	۰.۱۳۰۸۲۹	۱۶	۰.۸۳۵۱۵۶۴۳۳	۱۲	-۰.۰۹۴۸۹۸۵۳۵	۱۶
مراغه	۱	۸۴/۱۵	۷	/۵۴	۳	۰.۳۳۹۲۴۲	۲	۰.۹۷۲۳۳۹۷۶۷	۳	۰.۲۷۳۵۴۱۹۲	۲
مرند	۱۰	۶۹/۲۴	۸	/۵۳	۱۱	۰.۱۸۸۸۷	۴	۰.۹۳۷۶۱۷۹۵۸	۱۶	-۰.۲۰۷۰۷۸۹۶۷	۱۰
میانه	۸	۷۱/۴۵	۱۰	/۴۹	۱۷	۰.۱۲۳۳۷۷	۷	۰.۹۲۸۲۰۸۹۳۵	۱۷	-۰.۲۵۳۳۷۳۴۳	۱۴
هشترود	۹	۷۱/۲۳	۱۱	/۴۹	۶	۰.۲۳۶۹۱	۱۸	۰.۸۲۱۶۹۸۳۰۳	۵	۰.۳۵۶۲۱۴۳۶۸	۱۱
بناب	۶	۷۳/۱۲	۶	/۵۹	۱۴	۰.۱۷۶۰۷۲	۳	۰.۹۴۷۶۰۳۲۰۲	۱	۰.۳۱۹۲۸۴۵۰۹	۵
بستان آباد	۱۴	۶۵/۴۵	۱۲	/۴۶	۱۳	۰.۱۷۸۰۸۵	۱۰	۰.۹۰۴۲۴۱۰۵۸	۱۰	-۰.۰۷۳۳۷۱۱۵۴	۱۵
شبستر	۱۲	۶۷/۸۱	۱	/۶۶	۱۵	۰.۱۶۳۳۲۱	۹	۰.۹۰۴۹۵۳۱۲۹	۱۱	-۰.۰۹۳۳۹۳۷۰۵	۸
کلبر	۱۷	۶۲/۲۰	۱۶	/۴۲	۲	۰.۳۷۴۹۸۶	۱۱	۰.۸۸۳۹۶۹۵۴۴	۹	۰.۰۸۱۴۲۷۱۷۷	۱۲
هریس	۱۶	۶۳/۲۴	۱۸	/۴۱	۱۸	۰.۱۱۴۵۱۹	۸	۰.۹۲۵۳۷۸۶۹۶	۱۳	-۰.۱۲۱۱۲۸۶۷۵	۱۷
جلفا	۷	۷۲/۸۱	۳	/۶۳	۱۲	۰.۱۸۰۵۸۲	۶	۰.۹۳۵۲۸۷۱۹۵	۱۵	-۰.۱۹۲۰۲۶۸۶۸	۶
ملکان	۱۳	۶۷/۴۲	۱۴	/۴۴	۱۰	۰.۱۹۳۹۲۴	۱۹	۰.۸۱۴۲۷۳۶۱۹	۲	۰.۳۹۱۳۴۵۹۴۸	۱۳
آذرشهر	۲	۸۳/۵۲	۵	/۶۰	۷	۰.۲۲۴۷۶۳	۱۳	۰.۸۶۵۲۹۸۱۳۶	۸	۰.۱۱۱۵۹۵۱۷۱	۴
اسکو	۴	۷۶/۲۲	۴	/۶۲	۵	۰.۳۶۱۴۶۲	۱۴	۰.۸۴۲۷۶۷۴۰۵	۶	۰.۱۸۰۹۷۷۴۳۳	۳
چاراویماق	۱۹	۶۱/۰۲	۱۷	/۴۱	۹	۰.۲۰۲۱۴۴	۱۷	۰.۸۳۳۹۸۳۳۵۵	۱۸	-۰.۲۸۴۰۰۲۰۰۴	۱۸
ورزقان	۱۸	۶۲/۱۲	۱۹	/۴۰	۱۹	۰.۰۹۵۷۲۷	۱۵	۰.۸۳۶۸۲۴۹۴۹	۱۹	-۰.۴۲۵۰۷۲۵۹۱	۱۹
عجب شیر	۵	۷۴/۲۵	۱۵	/۴۳	۴	۰.۲۷۷۸۶۳	۱۲	۰.۸۷۴۷۶۶۶۷۴	۷	۰.۱۴۷۶۶۷۵۴۱	۷

"ت ۱۴" سطوح توسعه نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی بر اساس روش تلفیقی در سال ۱۳۸۷.

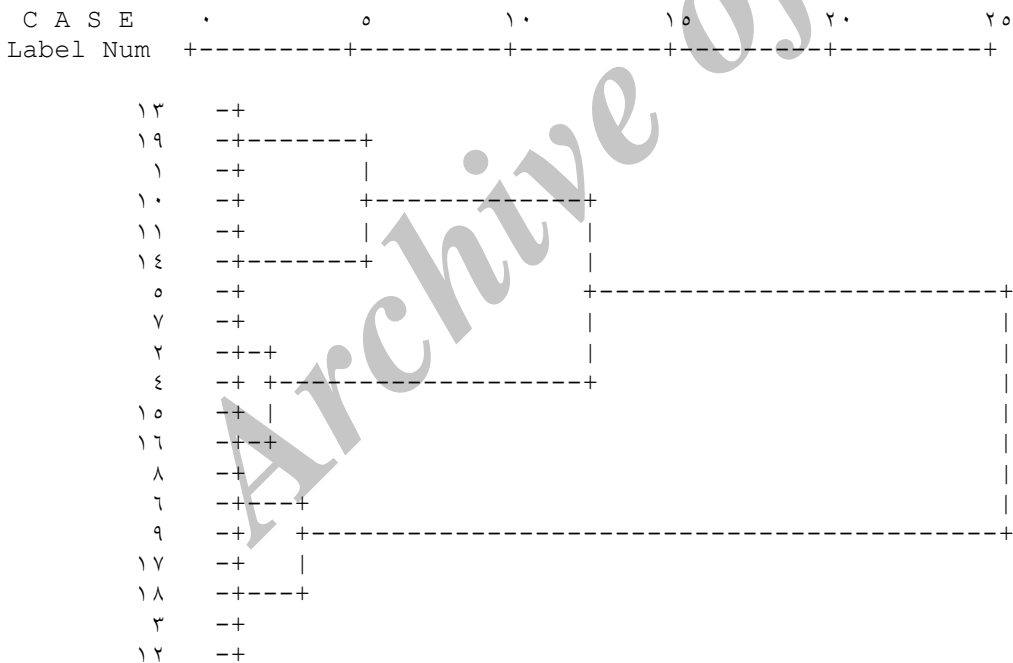
میزان برخورداری	نام شهرها
توسعه یافته	تبریز، مراغه، اسکو، آذرشهر و بناب.
نیمه توسعه یافته	جلفا، عجب شیر، شبستر، اهر، مرند، هشترود، کلبر و میانه.
محروم	بستان آباد، سراب، هریس، چاراویماق و ورزقان.

بیشترین مناطق مهاجرفرست استان آذربایجان شرقی از نقاط روستایی محور شرق استان می باشد. در نهایت با خوشه بندی و تعیین سطوح توسعه روشن می شود که بیشتر نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی از لحاظ سطوح توسعه یافتگی در ردیف نیمه توسعه و محروم قرار گرفته اند. این امر شکاف و واگرایی ناحیه ای را در استان آذربایجان شرقی نشان می دهد و این امر را برای برنامه ریزان و طراحان توسعه گوشزد می کند که جهت توسعه پایدار شهری بایستی به روستاها توجه بیشتری کرد و به عبارتی بایستی روستاهای سبز و پایدار را در محیط روستاها خلق کرد. چرا که کریدور شهرهای پایدار از روستاهای پایدار می گذرد.

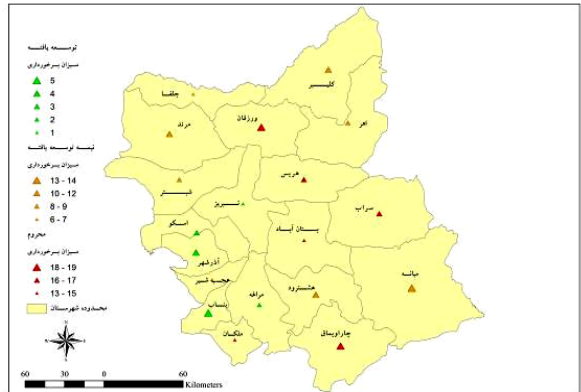
همچنین با نگاه به تصویر ۱۴ و تصویر ۱۶ مشخص می شود که تقریباً بیشتر نقاط توسعه یافته روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی در مرکز استان قرار گرفته اند. این امر بیانگر تجمع و تراکم امکانات در این ناحیه به دلیل وجود شهرستان مسلط تبریز است و تا حدودی وجود تسلط مرکز- پیرامون را در ناحیه مورد مطالعه ثابت می کند. اما در عوض در محور شرق استان بیشتر نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی نظیر ورزقان، هریس و چاراویماق، دارای امکانات زیربنایی و ارتباطی و به لحاظ شاخص های کمی و کیفی مسکن ضعیف و محروم می باشند که این امر عدم تعادل بین نقاط روستایی شهرستان های استان آذربایجان شرقی را تشدید می کند. همچنین آمارها حاکی از آن است که

"ت ۱۵" دندورگرام حاصل از روش تحلیل خوشه ای میانگین رتبه ها.

Dendrogram using Average Linkage (Between Groups)
Rescaled Distance Cluster Combine



"ت ۱۶" سطوح توسعه نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی بر اساس روش تلفیقی در سال ۱۳۸۷.



نتیجه

در تحقیق حاضر، ۳۷ شاخص کمی و کیفی مسکن روستایی از طریق روش‌های تحلیل عاملی، شاخص ترکیبی توسعه انسانی، تاپسیس، امتیاز استاندارد و تاکسونومی عددی در نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۷ مورد بررسی قرار گرفت. در پایان نیز با تلفیق رتبه‌ها، میانگینی از آن‌ها محاسبه شده است. نتایج حاصل از روش‌های فوق‌الذکر تفاوت‌هایی را در سلسله مراتب سطوح توسعه نشان می‌دهد. چنانچه به‌عنوان نمونه برخوردارترین نقاط روستایی شهرستان استان در روش تحلیل عاملی و شاخص ترکیبی توسعه انسانی به ترتیب تبریز و شبستر می‌باشد. در حالی که محروم‌ترین نقاط روستایی استان در همین روش‌ها به ترتیب چاراویماق و ورزقان می‌باشد. همچنین نوسان در سلسله مراتب سطوح توسعه در روش‌های امتیاز استاندارد، تاکسونومی عددی و تاپسیس نیز دیده می‌شود. بنابراین در کاربرد روش‌های کمی رعایت جانب احتیاط ضرورت دارد. نتایج حاصل از بهره‌گیری از روش تلفیقی در رتبه‌بندی و تعیین سلسله مراتب سطوح توسعه در استان نشان

می‌دهد که تبریز به‌عنوان برخوردارترین نقاط روستایی و ورزقان به‌عنوان محروم‌ترین نقاط روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی شناخته می‌شود. خوشه بندی و تعیین سطوح توسعه حاصل از رتبه‌های میانگین روش‌ها با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای نشان می‌دهد که ۵ نقطه روستایی از شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در ردیف توسعه یافته، ۸ نقطه روستایی در ردیف نیمه توسعه یافته و ۶ نقطه روستایی در ردیف محروم قرار گرفته‌اند. همچنین نتایج حاصل از روش تحلیل خوشه‌ای نشان می‌دهد که تقریباً بیشتر نقاط توسعه یافته روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در مرکز استان و یا در اطراف نقاط مسلط شهرستان‌های استان از جمله تبریز یا مراغه قرار گرفته‌اند که این امر ناشی از تبعیت الگوی توسعه نقاط روستایی استان از الگوی مرکز - پیرامون می‌باشد.

پی‌نوشت

1. Varimax
2. Reductionism

منابع

- افشار، ایرج. (۱۳۷۳)، برنامه‌ریزی مسکن، جزوه مدون درسی، تهران، دانشکده هنرهای زیبا، گروه شهرسازی.
- اهری، زهرا و دیگران. (۱۳۷۰)، مسکن حداقل، چاپ دوم، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
- بدری، علی؛ سعیدرضا اکبری‌ان رونیزی. (۱۳۸۵)، «مطالعه تطبیقی کاربرد روش‌های سنجش توسعه یافتگی در مطالعات ناحیه‌ای»، مجله جغرافیا و توسعه، شماره پیاپی ۷ (بهار و تابستان).
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. (۱۳۸۷)، نتایج آمارگیری ویژگی‌های مسکن روستایی سال ۱۳۸۷، استان آذربایجان شرقی.
- چایلد، باری‌گود. (۱۳۷۹)، «طراحی مسکن، فرم شهر و توسعه پایدار»، ترجمه ایرج اسدی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴ (زمستان).

- Burrows, R (1999); "Residential Mobility and Residentialisation in Social Housing in England", Journal of Social Policy, Vol. 28.

- Gallent, Nick Shucksmith, Mark and Tewdwr (2003); Housing in the European Countryside; Rural Pressure and Policy in Western Europe, Rutledge.

- Milbourn & Poul Cloke (2006); International Perspectives on Rural Homelessness, Routledge.

- Galster, G (1988); "Residential Segregation in American Cities a Contrary Review", Population Research and Policy Review, Vol. 7.3.

- Huang, Youqin & leiwen Jiang (2009); "Housing Inequality in Transitional Beijing", International Journal of Urban and Regional Research, Vol. 33.4 (December).

- Huang, Youqin (2005); From Work-unit Compounds to Gated Communities: Housing Inequality and Residential Segregation in Transitional Beijing. In L. J. C. Ma and f. Wu (eds).

- Logan, J., Y. Bian & F. Bian (1999); "Housing Inequality in Urban China in the 1990", International Journal of Urban and Regional Research, Vol. 23.1.

- Milbourn & Poul Cloke (2006); International Perspectives on Rural Homelessness, Routledge.

- Galster, G (1988); "Residential Segregation in American Cities a Contrary Review", Population Research and Policy Review, Vol. 7.3.

- Powers, William & et al (2000); "Why Housing Matters", Rural Voice, Vol. 6.2.

- Sawicki, Davids & Patrice Flynn (1996); "Neighborhood Indicators: A Review of the literature and on Assessment of Conceptual and Methodological Issues", Journal of the American Planning Association, Vol. 62. 2.

- Szelenyi, I (1979); "Social Inequalities in State Socialist Redistributive Economics: Dilemmas for Social Policy in Contemporary Socialist Societies in Eastern Europe", International Journal of Comparative Sociology, Vol. 19.

- Szelenyi, I (1983); Urban Inequalities under State Socialism, Oxford: Oxford university press.

- حبیبی، محسن. (۱۳۷۵)، از شار تا شهر، دانشگاه تهران، تهران.

- دلال پورمحمدی، محمدرضا. (۱۳۷۹)، برنامه‌ریزی مسکن، سمت، تهران.

- زبردست، اسفندیار. (۱۳۷۹)، «شاخص‌های مسکن و شاخص‌های شهری»، بخش اول، مجله اسکان، فصلنامه کمیته ملی اسکان بشر، سال پنجم، شماره ۱.

- سرتیپی‌پور، محسن (۱۳۸۴)، «شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲ (تابستان).

- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، برگرفته از سایت مرکز آمار ایران به نشانی: <http://www.Sci.org.ir>.

- سعیدی، عباس؛ مهدی طالب. (۱۳۷۶)، «طرح سطح‌بندی خدمات روستایی»، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.

- طالب، مهدی و دیگران. (۱۳۷۹)، «میزگرد ساماندهی سکونتگاه روستایی از اندیشه تا عمل»، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره ۹۸.

- عزیزی، محمد مهدی. (۱۳۷۳)، بررسی شاخص‌های مسکن در کشورهای مختلف جهان، طرح مطالعاتی تهران: سازمان ملی زمین و مسکن، دفتر برنامه‌ریزی و اقتصاد مسکن.

- عزیزی، محمد مهدی. (۱۳۸۴)، «تحلیلی بر جایگاه و دگرگونی شاخص‌های مسکن شهری در ایران»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳ (پاییز).

- لطفی حیدر و دیگران (۱۳۸۸)، «شاخص‌ها و مؤلفه‌های ضروری در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری مسکن روستایی در ایران»، فصلنامه جغرافیایی آمایش، شماره ۷ (زمستان).

- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۶)، سالنامه آماری کشور ۱۳۸۵، مرکز آمار ایران، تهران.

- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۶)، گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، مرکز آمار ایران، تهران، دفتر نشر و اطلاع رسانی.

- هادی‌زنوز، بهروز. (۱۳۸۴)، «فقر و نابرابری درآمد در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱۷ (تابستان).

- هاروی، دیوید. (۱۳۷۹)، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان؛ محمدرضا حائری و بهروز منادی‌زاده، چاپ دوم، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران)، تهران.